

## دین باستانی کرد

۶

### آیا برای پیدا کردن سرچشمه نژادی «شیطان پرستی یزیدیها» باید کجا پژوهش کنیم ؟

۱- چنان نمایان است کسانی که ادعا میکنند که شیطان پرستی یزیدیها از دیانت «مزدیسنی» دگرگون شده و پدید آمده است ، آنها برای این قرارداد خود و اصدار حکم ، اندکی خود را بدنبال پژوهش و تحقیق ، مانده نکرده اند ، زیرا بعد از آنکه دانسته شده است که کیش «مزدیسنی» یک دیانت ایرانی است ، و بر اعتقاد مبدأ خیر و شر بنیادگذاری شده است که گوهر نیکوکار ، و پلیدکار میباشد ، و پس از آنکه دانسته شده است که «یزیدیها» از شاخه های اقوام و ملت های «هندو - اورپی» و گروه «هندو ایرانی» ، و قسمت آریائی هستند ؛ و برخی از روش و آیین مخصوص «مزدیسنیها» را نگه داشته اند ، و از روان پلیدکار پیروی کرده اند ... نخست چیزی که با خرد هر کس گنجایش داشته باشد ، آن است که «یزیدیها» چون از روان پلیدکار ؛ زیان رسان ، که در کیش «مزدیسنیها» معروف بوده است ، بیم و هراس داشته اند ، از او پرستش کرده و او را ستوده اند ، و چون خدای نیکوکار را مهربان و بی زیان یافته اند او را فراموش کرده و از یاد برده اند .

چنانکه شرح دادیم ، آنها با اینکه برایشان لازم بود قبل از اینکه مطلب ساده خود را بیان کنند ، و باین مدارک ساده اکتفا نمایند ، (برای اینکه بسرچشمه اساسی پیدایش روان پلیدکار در آیین مزدیسنی برسند) پژوهش و تحقیقی در آن اصلاحات و دگرگونی بکنند ، که در آیین زردشتی پدید آمده بوده ، و چندگامی بعقب برگردند ، بآن روزگاری که هنوز اصلاحات و دگرگونی بدیانت زردشتی پی نبرده بود .

اما گروه دوم که چنان ادعا میکنند و چنان میپندارند که «شیطان پرستی یزیدیها» از بدعت های نوظهور روزگار اسلامی است ، آنها این رأی خود را از آنجا حاصل کرده اند ، و به آن قناعت کرده اند ، که «یزیدیها» در اساس ، قسمتی از مسلمانهای خالص بوده اند ، و بعد از آنکه بآن حقائق رسیده اند ، بدنبال رخ دادهای گوناگون ، و دگرگون شدن آنها افتاده و آنها را پژوهش کرده باشند ، و در هنگام پژوهش برخی از گفتارهای فیلسوفانه صوفیهای بغداد برخوردار کرده باشند که درباره شیطان از آنها صدور یافته باشد ، و آن نویسندگان با همه نیروی فکری و عقلی خود بآن گفتارها پیوسته باشند ، و سرانجام بآنجا رسیده باشند که بدعت شیطان پرستی

یزیدیه‌ها ، از اینجا پدید آمده است ، و سپس به پنداشت و تصورات خود ، در بین مردم تبلیغات و دعا بهر آغاز کرده باشند که بتوانند ، آنها را قناعت پذیر کنند .

ولکن شگفت آوراست که آن نویسندگان و مؤلفین خودشان اعتراف میکنند که در بین روش و آیین یزیدیه ، عاداتی میراثی باستانی ، هست که راجع به دوران قبل از اسلام میباشد . لکن خود آنها در پژوهش و تحقیق خود آن قدر فرو نمیروند که ریشه بنیادی آن آیین و روشها را پیدا کنند ، و برعکس آرمان ، در نخست مرحله هدف خود توقف و ایست میکنند . با اینکه میبایستی که این گروه از نویسندگان و نگارندگان در بیان نظریات خود ، تا این حد استعجال و گستاخی نکنند . . .

در اینجا ناگزیر است که ما بهتر بدانیم که اگر فرض شود که تبلیغات صوفیهای بنیاد درباره لعنت نگفتن شیطان در بین یزیدیهها بیشتر ، منتشر شده است ، و لکن هرگز گنجایش ندارد ، که آن تبلیغات ، سرانجام بپیدایش « کیش شیطان پرستی » بکشد ، که خود آن کیش در عقائد و باورهای ایرانی باستانی ، اساس خیلی ژرف و عمیقی را دارد .

ما - بعلمت دلائل در زیر شرح شده - باید برای بدست آوردن سرچشمه شیطان پرستی؛ در آیینهای باستانی ایران زمین پژوهش کنیم؛ -

۱ - شیطان پرستی یزیدیهها - همچنانکه آن را با مدارک اثبات نموده بودیم - از کیش زردشتی دگرگون نشده است .

ب - در کیشها و دیانت‌های ( یهودی - مسیحی - اسلامی ) این گونه عقائد پیدانیست ، که شیطان پرستی از او ریشه بگیرد .

ج - قبل از ظهور دین اسلام ، در سرزمین ایران ، شیطان پرستی وجود داشته است . هر دو بین روش و افسانه‌های « یزیدیهها » چیزهایی بنظر میآید ، که از بقایای کیشهای باستانی ایرانی ( هندو ایرانی ) و ( هندو اورپی ) هستند ، ما در اینجا از آنها برای مثال قسمتی را یادآوری میکنیم ؛

۱ - پرستش هویداهای سرشتی ( خورشید ، ماه ، تاهید ، فضا ، آسمان ، سپهر . . . ) که این فکر از دو نژاد « هندو ایرانی » و « هندو اورپی » ریشه گرفته است .

۲ - پرستش هفت فرشته مقرب - یا خدایان درجه دومی - که گویا در گردانیدن امور گیتی خدای بزرگرا کمک میکنند که از دو نژاد « امشه سبتا » های « اوستائی » و « ادیتیه » های ویدها ، دگرگون شده است .

۳ - گرامی داشتن ، و شادی کردن در روز یکسان شدن شب و روز ( نوروز ) که نخست روز بهار است ، و در روز آغاز پاییز ( مهرگان ) .

۴ - پوشیدن پیراهن گردن نشکافته ، که همان پیراهن « سودره » زردشتی هامیباشد .

• - قدغن بودن ، خاموش کردن چراغ یا پف و همچنین قدغن بودن ، تف کردن بر آتش - که نیز از « هندو ایرانی » ریشه گرفته است .

۶- زبان ایشان - که زبان صحبت و گفتگوی دائمی است - از گروه زبانهای ایران ( از قسمت زبانهای هندو - اروپایی) است؛ که از شاخه‌های خانواده زبانهای (هندو ایرانی) گوناگون هستند .

\*\*\*

### گفتار دهم :

#### شیطان پرستی یزیدیه‌های کنونی؛ یک نوع از دگرگون شدن « سرشت پرستی » ملت‌های « هندو اروپایی است : -

شیطان پرستی یزیدیه‌ها ادامه ایست از باور شیطان پرستی قبل از اسلام ؛ -  
 ۱- در گفتار هشتم - که وابسته بود به پژوهش درباره دین باستانی کرد - آنرا اثبات کرده بودیم؛ که پرتو پرستش نیروهای سرشتی (دیو پرستی) ؛ تا دوران ظهور اسلام ؛ فروزان بود و خاموش نشده بود . و از روزگار کهن و باستانی؛ «دیو» را شیطان پنداشته بودند؛ همچنانکه «دیو پرستی» را شیطان پرستی مینامیدند. و سبب این نام گذاری - همچنانکه در گفتار هشتم اورا روشن کرده بودیم - بشرح زیر بود؛ -

«زادشت ؛ پرستش نیروهای سرشتی را - که « دیو» مینامیدند - قدغن کرده بود . و نیروهای به نیکوکاری شناخته شده را «روانهای فرشته‌یی - سینته مینو (spenta Mainyu) نامیده بود ؛ و در بین آنها و در بین نیروهای سرشتی؛ پیوستگی را بنیاد گذاری کرده بود. و اسم «دیو» را نامی ویژه‌ئی بر روانهای پلید کار اطلاق کرده بود . و در بین آنها و در بین نیروهای سرشتی هیچ - گونه وابستگی را قائل نبود . بلکه پیروان روانهای پلید کار را بنام «دیوینا» معرفی کرده بود؛ که این نام در اساس بر آنها اطلاق میشده که «دروغ خواهی ، و بد کرداری» را گرامی میداشتند. سپس این گویش (دیو) دگرگون شد و بشکل «دیو» درآمد ، و بجای او در کتاب « زنداوستا » که ترجمه و شرح اوستا میباشد و بزبان پهلوی نوشته شده است - واژه «شیدا» استعمال شده است و پرستش نیروهای سرشتی را «شیدا یزکی» نامیده اند . و نمایان است که واژه « شیدا» با گویش «شیدان» جمع میشود . و «مزد یسنیها» «انگر مئینیو (Angsa Mainyv) را بزرگترین خداهای دیو پرستها معرفی کرده اند. و همچنانکه در تعالیم و تلقینات «مزد یسنیها» یاد شده است ، برای « اهورا مزدا» هفت فرشته مقرب؛ و برای «انگره مئینیو» هفت شیطان مقرب؛ قرار داده شده است.»  
 مادر اینجا باید؛ فراموش نکنیم؛ که تصور بکنیم و ببینداریم ؛ که پرستش نیروهای سرشتی.

که همیشه پیروانش از مردم ایلهای بی سواد و دور از شهر نشینی و مدنیت بوده اند - با گذشت روزگار ؛ دچار دگرگونیهای شکلی شده است . و کیشها و آیینهایی که در آن روزگارا و در آن اطراف بوجود آمده اند و نمایان شده اند (بو ویژه آموزگاریها؛ و تلقینات زردشتی و مزدیسنی) در آن دگرگون کردن؛ تأثیر خود را کرده اند؛ و دخالت خود را انجام داده اند . و پرستش کاران نیروهای سرشتی - که از پیروان کیش مزدیسنیها بوده اند ؛ و در عین وقت نیروهای سود بخش و زیان

بخش را بی‌جدائی گرامی داشته اند؛ و هر دو را بیک سان میپرستیدند - تارو زگار ظهور آیین اسلام بنام «دیو پرستان» شناخته شده اند؛ و از جانب میلین دین مسیحی (که با آنها بر خورد کرده بودند و از ایشان ملاقات کرده بودند) بنام شیطان پرستان معرفی شده بودند .

و نیز باید دانسته شود؛ که در بین اسم «شیدا» که جمع او «شیدان» است؛ و در بین واژه «ساتان» که در «تورات» و «تلمود» زکتابهای دیگر مسیحی آمده است؛ مشابهت کلی هست .

### پوزش و اعتذار

در گفتار «دین باستانی کرد» که در شماره «۱۱» مجله ارزشمند مهر دوره یازدهم منتشر شده است؛ برخی از عبارتها؛ در اثر حروف چینی - که در چاپخانه دیگری بانجام رسیده بود دگرگون شده و متن و پاورقی بهم آمیخته بود؛ از خوانندگان گرامی خواهشمند است؛ توجه داشته باشند؛ و آنرا تصحیح بکنند؛ -

(۱) در صفحه (۷۰۸) سطرهای (۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴) که زیر خط فاصل افتاده است از متن میباشد؛ و پاورقی نیست .

(۲) در صفحه (۷۰۹) هشت سطر اول؛ پاورقی است؛ و از متن نیست؛ و او را زیر خط فاصل

بگذارید .

(۳) سطوری که در صفحه (۷۱۰) هست؛ همه اش پاورقی است؛ و متن نیست .

### یادآوری :

سلسله مقالاتی که تا این شماره زیر عنوان «دین باستانی کرد» منتشر شده است؛ آقای روزبانی از زبان کردی به عربی ترجمه و سپس آنرا بفارسی برگردان نموده و اصل کردی آن از آقای توفیق وهبی میباشد.

آقای روزبانی یکی از فضلاء کردستان عراق و از برادران عزیز ما میباشد؛ اسلوب نثر فارسی ایشان شیوه خاصی دارد و بسیار شیرین است؛ و تحقیقی است درباره اینکه دین باستانی کرد (مانند نژادشان) اصل و ریشه آریائی داشته و از کیشها و عقاید باستانی ایران سرچشمه گرفته است.

لذا عین نگارش و نثر ایشان بدون اندک تغییری زیب صفحات

مجله گردیده است .